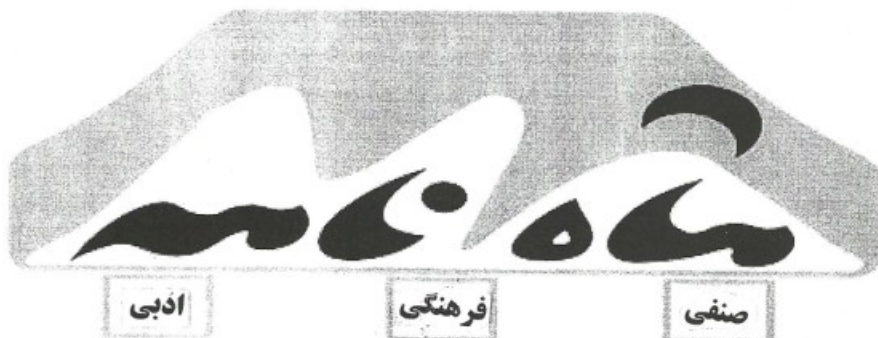




در این شماره می‌خوانید:
صورت جلسه ماه مارس ۲۰۱۳
قدردانی از یک دانشمند
اول ماه مه روز جهانی کارگران
می‌دانستید که:
در معرفی شخصیت‌ها
شعری از «شیرکو - بی‌کس»
یادی از سهراب سپهری
زنده باد زن ایرانی
لیست چراغ قرمزهایی که دارای دوربین می‌باشند

صورت جلسه ماه آوریل ۲۰۱۳

جلسه عمومی انجمن در ماه آوریل اختصاص به بررسی و ارائه بیان جشن نوروز امسال داشت. در ابتدا مسئول انجمن از کلیه اعضا و همکاران گرامی که در این جشن شرکت کردند تشکر کرد و سپس از افرادی که به هر شکلی کمک و همکاری در این جشن را داشتند و باعث برگزاری بسیار خوب، عالی و در محیط آرام و خانوادگی این جشن شدند، قدردانی و تشکر کرد. در ادامه حسابدار انجمن بیان مالی جشن نوروز امسال را ارائه داد و خاطرنشان کرد که علیرغم هزینه سنگین سالن و محدودیت ظرفیت آن و نیز به علت همکاری و همیاری اعضای برگزاری جشن نوروز و پشتکار و سعی فراوان اعضای هیئت مدیره و با صرف وقت و انرژی زیاد کلیه افراد توانستیم امسال با بیلانی یکسان بدون نه ضرر و نه استفاده از عهده برگزاری جشن نورز برآئیم.

سپس سخنگوی هیئت مدیره طرح تشکیل کمیسیون برگزاری جشن نوروز را برای سهولت و بهتر شدن کیفیت جشن‌های آینده انجمن (مخصوصاً تهیه سالن از قبل) مطرح کرد و بحث و گفتگو پیرامون این مسئله شروع شد و اعضای محترم انجمن نظرات و پیشنهادات خود را در رابطه با این موضوع بیان کردند و تعدادی از اعضای حاضر در جلسه داوطلب عضویت در این کمیسیون شدند. در اینجا یادآوری یکی از بندهای اساسنامه در رابطه با تشکیل کمیسیون‌های مختلف ضروری است: بر طبق آئین‌نامه داخلی انجمن «بخش وظایف هیئت مدیره» تأکید شده است که «از وظایف هیئت مدیره ایجاد کمیسیون‌های گوناگون زیر نظر هیئت مدیره برای پیش‌بینی برنامه‌های فرهنگی، هنری، تفریحی، ورزشی و غیره تا حد امکان» می‌باشد، در نتیجه تشکیل هر نوع کمیسویی در رابطه با هیئت مدیره وقت انجمن و فعالیت آنها زیر نظر هیئت مدیره می‌باشد.

موفق و پیروز باشید.

اعضای محترم برای تماس با هیئت مدیره می‌توانند با شماره تلفن زیر تماس حاصل کنند:

06 59 56 02 33

XXXXXXXXXX

قدردانی از یک دانشمند

در شماره قبل نشریه، رسول اشاره‌ای به بزرگانی که در سال گذشته از دست رفتند کرد که نامی هم

از دکتر منوچهر وصال برده بود. از آنجا که من ابتدا افتخار شاگردی و بعد همکاری با منوچهر وصال را داشتم لازم دیدم از او قدردانی کنم و چند کلمه‌ای در مورد او بنویسم. منوچهر وصال از اسطوره‌های علمی و افتخار کشور ماست که خدمات بزرگی به پیشرفت علم و دانش در ایران کرد. او دانشمند شناخته شده بین‌المللی بود که یک قرن زیست و در مدت ۶۲ سال کار در زمینه‌های مختلف علمی با لیاقت و صداقت به کشورمان خدمت کرد (توجه کنیم که در ایران بعد از ۳۰ سال کار می‌شود بازنشسته شد). ابتدا چند کلمه‌ای در مورد تاریخچه زندگی‌اش بگویم.

خانواده وصال از خانواده‌های اصیل شیراز هستند که ادبا و دانشمندانی را به ایران هدیه کرده‌اند. منوچهر وصال در تهران متولد شد. دوران ابتدائی و متوسطه را در تهران گذراند و با رتبه اول از دبیرستان فرانسوی تهران دیپلم گرفت. در سال ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) توسط دولت ایران برای تحصیل به فرانسه اعزام شد. در سال ۱۹۳۷ لیسانس ریاضی خود را از دانشگاه سوربن دریافت کرد. او دکترای ریاضی و نجوم را در سال ۱۹۴۰ از دانشگاه ژنو دریافت کرد و به تحقیق در رصدخانه زوریخ پرداخت. سپس استاد ریاضی دانشگاه تهران شد و مدتی ریاست کتابخانه دانشگاه تهران را به عهده داشت. به دنبال آن با بورس یونسکو به پاریس برگشت و علوم کتابداری خواند. منوچهر وصال در سال ۱۹۶۲ رئیس بخش ریاضی دانشگاه پهلوی شیراز شد و آنرا گسترش داد. او بنیان‌گذار دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز است که با همت و کوشش او در مدت کوتاهی به یکی از مهم‌ترین دانشکده‌های مهندسی در ایران با سطح بالای بین‌المللی تبدیل شد. او مدت ۴ سال ریاست این دانشکده را به عهده داشت. او مدتی معاون دانشگاه شیراز و به دنبال آن رئیس کتابخانه ملا صدرا شد و همزمان ریاست دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه شیراز را به عهده داشت.

از کارهای مهم او این بود که سیستم ارتقاء شغلی فقط وابسته به لیاقت علمی را در دانشگاه به وجود آورد. علیرغم مسئولیت‌های اداری که داشت هیچگاه کلاس درس و گچ خوردن را کنار نگذاشت و همزمان تدریس می‌کرد.

۱۴ تا ۱۶ ساعت روی ابزار تولید در کارخانه‌ها کار می‌کردند. شرایط زندگی آنها اسفبار بود. کارگران هر کجا که پیدا می‌کردند، می‌خواستند حتی در راهروهای کارخانه‌ها. غذا هم به اندازه کافی نمی‌خوردند. مدت زمانی بود که سندی‌کای کارگران، به نام فدراسیون زحمتکشان آمریکا، خواست‌شان مبنی بر اجرای برنامه ۶ روز کار در هفته و روزی ۸ ساعت را به کارفرمایان ارائه داده بودند. اما کارفرمایان نمی‌پذیرفتند. روز اول ماه مه ۱۸۸۶، تظاهرات عظیمی با حضور ۲۰۰ هزار نفر برای اجرای خواست ۸ ساعت کار روزانه انجام گرفت. این تاریخ به طور اتفاقی انتخاب نشد. در آمریکا، اول ماه مه روز تجدید قراردادهای کار بود. در پایان تظاهرات، بخشی از کارگران به خواست‌شان رسیدند ولی بخش وسیعی ناراضی ماندند و فردای آن روز تظاهراتی با حضور ۳۴۰ هزار نفر برای اجرای خواست ۸ ساعت کار روزانه برای تمامی کارگران صورت گرفت. در فراخوان تظاهرات، حمل هرگونه اسلحه ممنوع اعلام شده بود، چون همان طور که می‌دانید حمل اسلحه در آمریکا آزاد است. ولی کارگران به تجربه دریافته بودند که کارفرمایان، عده‌ای را اجیر خواهند کرد که در تظاهرات آشوب بپا کنند و بهانه به دست پلیس بدهند که به روی تظاهرکنندگان آتش بگشاید. برای همین در فراخوان تأکید شده بود که کارگران از حمل اسلحه خودداری کنند. روز سوم ماه مه، تظاهرات دیگری برپا شد که در آن بمبی منفجر گشت و منجر به مرگ ۱۷ نفر شد. ۷ نفر پلیس در بین کشته‌شدگان بود. پلیس، رهبران تظاهرکنندگان را دستگیر کرد و دادگاه را نیز با مدارک جعلی برعلیه آنها برانگیخت. ۵ نفر به اعدام و ۳ نفر به حبس ابد محکوم شدند. یک نفر از بین محکومین به اعدام در زندان خودکشی کرد. سه نفر آخری در سال ۱۸۹۳ مورد عفو قرار گرفتند و آزاد شدند.

در فرانسه، در سال ۱۸۸۹، به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب کبیر در این کشور، نشست انترناسیونال دوم سوسیالیست در پاریس برگزار شد و در این نشست، همان ۸ ساعت کار روزانه مانند خواسته‌های سال ۱۸۸۶ آمریکا برای کلیه کارگران و مزدبگیران مطرح شد. همچنین تصمیم گرفته شد که هر سال، تظاهراتی برای خواسته‌هایشان برگزار کنند. تاریخ اول

روش تدریس او منحصر به فرد بود. از وقت تلف کردن و سخنرانی‌هایی که شاگردان چرت بزنند دوری می‌کرد و آنچه که دانشجویان با مطالعه و تحقیق می‌توانستند خودشان یاد بگیرند به عهده آنها می‌گذاشت، فقط نکات کلیدی و مهم را ذکر می‌کرد و با متانت و دقت به سئوالات پاسخ می‌گفت. او آنالیز ریاضی، حساب کاربردی و تئوری اعداد را تدریس می‌کرد. چون سخت‌گیر و دقیق بود، دانشجویان می‌گفتند هر کس درس منوچهر وصال را بگذراند لیسانس خود را گرفته است و یادگیری و تحقیق در ریاضیات را آموخته است. منوچهر وصال معتقد بود که باید نردبان زیر پای آنهايي که لیاقت دارند گذاشت و عملاً خودش این کار را می‌کرد. یاد دارم که زمانی از دبیرستان دانشگاه شیراز بازدید کرد. در آنجا با دانش‌آموزی به نام حسن روحانی برخورد کرد. هوش و ذکاوت او را خارق‌العاده دید. به او اجازه داد بدون گرفتن دیپلم سال دوم ریاضی دانشگاه را بگذراند و بعد از یک سال و نیم به او اجازه داد درس‌های فوق‌لیسانس را بگذراند و چون نفوذ بین‌المللی داشت نامه‌ای به او داد که برود در آمریکا دوره دکترا را بگذراند. این پارتی‌بازی نبود چون حسن روحانی قادر بود مسائل مشکل ریاضی را حل کند.

منوچهر وصال از ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳ میلادی مسئول انتشارات علمی وزارت علوم و آموزش عالی بود. یاد این دانشمند گرامی و به خدماتش ارج بگذاریم.

جواد آریان‌فر



اول ماه مه روز جهانی کارگران

چرا روز اول ماه مه به راه‌پیمایی می‌رویم؟

چرا به آن جشن کار یا جشن کارگران می‌گوئیم؟

این تاریخ از کجا می‌آید؟

اول ماه مه، روز جشن و تعطیل رسمی در قانون کار فرانسه شناخته شده است. ولی چند نفر از ما، از منشأ و تاریخ این جشن خبر دارد؟ ما می‌دانیم که اول ماه مه، روز جشن کارگران است. اما از کجا شروع شد؟

در واقع، همه چیز از سال ۱۸۸۶ در شیکاگوی آمریکا آغاز شد. کارگران ۶ روز در هفته و هر روز

ناگفته نماند که بالا بردن سطح آگاهی کارگران در دست یافتن به خواسته‌هایشان نقشی بارز داشت. «وژن ورلن» (Eugène Varlin) کارگر صحافکار و کمونار در سال ۱۸۶۵ در یک مهمانی دوستانه می‌گوید: «آنچه می‌بایستی با تمام نیرویمان با آن مبارزه کنیم، نادانی، عادی کردن جریان کار روزمره و پیشداوری‌هاست زیرا سد راه ترقی کارگران‌اند. آنچه برای مبارزه با این مشکلات ضروری است، رشد آموزش همگانی است. رهائی مادی کارگران بدون رهائی معنوی و فکری آنان نمی‌تواند وجود داشته باشد».

زهره - آوریل ۲۰۱۳

می‌دانستید که:

- ۱ - قبرستان پرلاشز به اسم کیست؟
 - ۲ - Les Fédérés اسم چه دیواری و کجاست؟
 - ۳ - میدان اتازونی در پاریس شانزدهم، چه خاطره جالبی را به ذهنتان می‌آورد؟
 - ۴ - کوتاه‌ترین خیابان پاریس کجاست و چه نام دارد؟
 - ۵ - قدیمی‌ترین کلیسای پاریس کجاست و چه نام دارد؟
 - ۶ - پلاک برنز (صفر پاریس) کجاست و از چه زمانی نصب شده است؟
 - ۷ - کدام فیلسوف فرانسوی را می‌شناسید که مجسمه سرش در موزه و بدنش جداگانه در کلیسا به خاک سپرده شده است؟
 - ۸ - قدیمی‌ترین بن‌بست پاریس کجاست؟
 - ۹ - کدام شاه، پاریس را به عنوان پایتخت انتخاب کرد؟
 - ۱۰ - پورت سنت آنوره (Porte Saint-Honoré) کجاست؟
 - ۱۱ - پل کنکورد (Pont de la Concorde) با چه مصالحی ساخته شده است؟
 - ۱۲ - آسیاب بادی پاریس چهاردهم کجاست؟
 - ۱۳ - بین آب ژاول و بارانداز و خیابان ژاول ارتباطی هست؟
 - ۱۴ - اسم پل ارکول (Pont d'Arcole) از کجا می‌آید؟
- پاسخ‌ها:**
- ۱ - کشیش شخصی لوئی چهاردهم بود که در

ماه مه برای برپائی این تظاهرات در همه شهرهای فرانسه و در اغلب کشورهایی که سندیکا‌های کارگری داشتند به رسمیت شناخته شد.

در سال ۱۸۹۰ تظاهرکنندگان مثلی به رنگ قرمز به نشان ۸ ساعت کار، ۸ ساعت خواب و ۸ ساعت استراحت به سینه می‌آویختند.

در سال ۱۸۹۱، در شهر فورمی (Fourmies)، در شمال فرانسه تظاهرات اول ماه مه توسط پلیس به خون کشیده شد. ۱۰ نفر از جمله یک زن به نام «مری بلوندو» (Marie Blondeau) کشته شدند. «مری بلوندو» به عنوان سمبل سرکوب وحشیانه و غیرقابل توجیه پلیس و کارفرمایان شناخته شد و پس از آن، تظاهرکنندگان روز اول ماه مه، به نشانه یادبود وی، گل قرمز اگلانتین (Eglantine) را به سینه خود می‌آویختند. در سال ۱۹۰۷ گل موگه (Le brin de muguet) (گلی که در قرون وسطی از ژاپن وارد شد و معروف به گل خوشبختی و بهار است) به نشانه احیاء مبارزات کارگری جایگزین گل اگلانتین گردید.

۲۹ سال بعد، در سال ۱۹۱۹، کارگران و مزدبگیران به خواسته ۴۸ ساعت کار در هفته دست یافتند.

در سال ۱۹۴۱ در زمان حکومت ژنرال پتن (Général Pétain)، روز اول ماه مه به عنوان روز تعطیل رسمی ولی بدون پرداخت حقوق شناخته شد.

بعد از جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۷، «آمبرواز-کروازا» (Ambroise Croisât) وزیر کار وقت و «دانیل مایر» نماینده مجلس، اول ماه مه را روز تعطیل عمومی با پرداخت حقوق در تعطیلات رسمی به تصویب رساندند.

از روز ۲۹ آوریل ۱۹۴۸، اول ماه مه رسماً روز «جشن کار» خوانده شد.

در سال ۱۹۵۷ تظاهرات روز اول ماه مه به علت جنگ هندوچین ممنوع اعلام شد تا بالاخره از سال ۱۹۶۸ دوباره گردهمایی‌های بزرگ مردمی به راه افتاد.

امروزه، راه‌پیمائی اول ماه مه، روز اعلام مطالبات مردم است و کماکان، اعتصاب و تقلیل ساعات کار، افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار در چهارچوب قوانین موجود، در دستور روز است.

اعلام کرد: اگر در جنگ کشته شدم، بدانید که اسم من آرکول است.

برگرفته از کتاب: «آیا پاریس را می‌شناسید؟»

اسم نویسنده: «ریموند کینو»

ژیل

XXXXXXXXXX

در معرفی شخصیت‌ها

Albert Camus

آلبر کامو (۱۹۶۰-۱۹۱۳) نویسنده، روزنامه‌نگار و فیلسوف الجزایری فرانسوی‌تبار. امسال به مناسبت صدمین سالگرد تولد آلبر کامو دوباره صحبت از او در میان محافل ادبی و فلسفی فرانسه اوج گرفته است. در واقع از زمانی که او به دریافت نوبل ادبیات (۱۹۵۷) به عنوان جوان‌ترین نویسنده موفق شد، انتشار و مطالعه آثار او همیشه جزو نویسندگان پرخروش فرانسه بوده و به زبان‌های مختلف از جمله زبان فارسی نیز ترجمه شده‌اند. مسلماً سادگی و روانی آثار او که انسانیت و جهان‌بینی‌اش در آنها منعکس‌اند بیش از پیش خوانندگان را مجذوب کرده و همچنان ادامه دارد. شگفتا که خیلی کوتاه زیست و در چهل و شش سالگی در یک سانحه اتومبیل از دنیا رفت!

آلبر کامو در ۷ نوامبر ۱۹۱۳ در دهکده‌ای کوچک به نام Mandovi در نزدیکی شهر Annaba در الجزایر چشم به جهان گشود. پدرش لوسین کامو فرانسوی فقیر بود که در الجزایر کشاورزی می‌کرد (یعنی جزو آن دسته از مهاجرانی که از فرانسه برای گرفتن زمین کشاورزی به الجزایر رفته بود). در آنجا با زن خدمتکاری که اهل اسپانیا بود ازدواج کرد و صاحب دو فرزند شد. سپس پدرش یک سال بعد از به دنیا آمدن آلبر در نبرد مارن در جنگ جهانی اول کشته شد. با این اتفاق دوران کودکی آلبر کامو در یک زندگی فقیرانه گذشت. فقر، احترام به رنج و همدردی با بیچارگان را به او یاد داد و به خاطر فقر خانواده، آلبر مجبور بود پس از پایان دبستان کارگری پیشه کند، تا اینکه آموزگارش لوئی ژرمن به استعداد وی پی برد و او را به امتحان کمک هزینه بگیران و ادامه تحصیل تشویق کرد. در آن زمان تحصیلات متوسطه در الجزایر اختصاص به ثروتمندان داشت، بهمین جهت از این پس کامو در دو دنیای جداگانه زندگی کرد یعنی روزها در کنار

خوابگاه‌های یک سکت مذهبی اقامت داشت که محل کنونی قبرستان پرلاشز است.

۲- در روز ۲۸ ماه مه سال ۱۷۸۱، ۱۴۷ کمونارد کمون پاریس در کنار این دیوار تیرباران شدند و محل آن در قبرستان پرلاشز قطعه شماره ۹۷ واقع شده است.

۳- اسم این میدان به نام جراح آمریکایی «دوراک ولس» است که برای اولین بار گاز بیهوشی را برای معالجه دندان به کار برد. مجسمه وی در محل میدان قرار دارد.

۴- کوتاه‌ترین خیابان پاریس، خیابان «دگره» (rue des degrés) و به طول هفت متر است که در منطقه دو پاریس واقع شده است.

۵- کلیسای سن ژرمن متعلق به قرن نهم است.
۶- پلاک برنز (صفر پاریس) در سال ۱۹۲۴، در مرکز فضای جلوی کلیسای نتردام نصب شده و نقطه عزیمت از پاریس به اقصی نقاط فرانسه برحسب کیلومتر است.

۷- دکارت فیلسوف فرانسوی که مجموعه سرش را در موزه تاریخ طبیعی و بدنش را در کلیسای سن ژرمن می‌یابید.

۸- قدیمی‌ترین بن‌بست پاریس «تور سنت ژاک» که در سال ۱۸۵۶ ساخته شده است.

۹- «کلویس» اولین پادشاه فرانسه، در سال ۵۰۸، پاریس را به عنوان پایتخت انتخاب کرد.
۱۰- در شماره ۱۶۱ خیابان سنت انوره قرار دارد و محلی است که ژاندارک در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۴۲۹ در موقع گرفتن شهر زخمی شد.

۱۱- در سال ۱۷۸۷ ساختن پل کنکورد شروع و در سال ۱۷۸۹ با مصرف مصالحی که از تخریب زندان باستیل بدست آمده بود، پایان گرفت.

۱۲- این آسیاب بادی که توسط «کاترین مدی سیس» در قرن چهاردهم به نام آسیاب خیریه‌ای ساخته شده در قبرستان مون‌پارناس واقع شده است.

۱۳- در سال ۱۷۷۷، وقتی کارخانه تولید کننده آب ژاول در کنار رود سن مستقر شد، این بخش از بارانداز رود سن و خیابان عمود بر آن را به این نام نهادند.

۱۴- در ۲۸ ژوئیه سال ۱۸۳۰، یک جوان با حمل پرچم سهرنگ قبل از ورود به میدان جنگ

در سال‌های پنجاه با اوج‌گیری جنبش‌های استقلال طلبانه وقتی جبهه آزادی‌بخش ملی در الجزایر فعال می‌شود، آلبر کامو طرفدار راه حل مسالمت‌آمیز و آشتی‌جویانه بین فرانسه و الجزایر است و در عین حال از فقدان حقوق مسلمانان انتقاد می‌کند. در آخرین مقاله‌ای که در این مورد نوشت از فدراسیون متشکل از فرهنگ‌های مختلف بر مبنای مدل سوئیس برای الجزایر دفاع می‌کند که با مخالفت شدید طرفین دعوا روبرو شد. ولی عمرش کفاف نداد تا نتیجه کار را مشاهده کند!

به هر حال او یک مبارز و نویسنده متعهد بود که با نوشتن مقالات مختلف و رمان‌هایی از جمله «بیگانه» و «افسانه سیزف» (Le mythe de Sisyphe) به شهرت جهانی دست یافت. سپس خلق نمایشنامه Caligula و رمان «طاعون» (La peste) قدرت قلم‌اش را تأیید کردند.

آلبر کامو روحیه انسان‌دوستی و آزادیخواهی قوی داشت و مخالف هر نوع ایدئولوژی بود حتی فلسفه اگزیستانسیالیسم دوستش ژان پل سارتر را با نوشتن کتابی تحت عنوان «سقوط» (La chute) مورد حمله قرار می‌دهد. در سال ۱۹۵۷ جایزه نوبل ادبیات را با نوشتن مقاله «اندیشه‌هایی در باره گیوتین» علیه مجازات اعدام دریافت کرد.

«انسان یاغی» (l'homme révolté) یکی دیگر از آثار اوست که تمام عمر خود را صرف مبارزه با فلسفه پوچ‌گرایی (l'absurde) کرده است و عمیقاً به آزادی‌های فردی اعتقاد دارد. او می‌گوید انسان‌ها باید دست به دست هم بر علیه آنچه که فرد را به اسارت می‌کشد و به مرگ هدایت می‌کند بجنگند. و بالاخره آلبر کامو در آثارش یک نثر دقیق و شگفتی را ابداع می‌کند که در آن زیبایی (esthétisme)، سمبلیک و تفکر و اندیشه در مورد سرنوشت بهم آمیخته‌اند و جذابیت خاصی را به آثار او می‌بخشند.

رسول

XXXXXXXXXX

شعری از «شیرکو - بی‌کس»

درخت که سوخت

دودش، دیوانی از گریه برای باغ نوشت

باغ که سوخت

دودش، داستانی غمناک برای کوه نوشت

اغنيا و دنياى اندیشه و شب‌ها در کنار فقرا در جهانی دشوار! در ایام تعطیلات تابستانی نیز در برابر دریافت دستمزدی اندک در مغازه‌ها کار می‌کرد، در عین حال به آموختن زبان انگلیسی و اسپانیایی پرداخت و به فوتبال نیز علاقمند شد، ولی به خاطر ابتلا به بیماری سل مجبور بود آنرا ترک کند.

در سال ۱۹۳۰ با دریافت دیپلم نخستین گام را به سوی ترقی برداشت و پنج سال بعد با اخذ مدرک لیسانس در رشته فلسفه از دانشگاه الجزیره فارغ‌التحصیل شد. از این به بعد است که فعالیت اجتماعی و سیاسی‌اش را در حزب کمونیست شروع می‌کند و مسئولیت تبلیغ در جامعه مسلمان را به عهده می‌گیرد، ولی در سال ۱۹۳۶ در نامه‌ای به مسئول حزب تردید روشنفکرانه‌اش را در باره مارکسیسم و بی‌اعتمادی خود نسبت به مفهوم پیشرفت را بیان داشت و در نتیجه الحاق خود به حزب را احساسی و نوعی تمایل همبستگی به خودی‌ها تعبیر کرد، اقدامی که موجب شد اتهام تروتسکیسم بخورد.

در سال ۱۹۳۸ در روزنامه تازه تأسیس جبهه خلق الجزایر (الژه ریولیکن) مشغول می‌شود و سال بعد مجموعه مقالاتش را تحت عنوان «فقر در قبایلیه» انتشار داد که در واقع کیفرخواستی بر علیه استعمارگران بود. وی همچنین با مشارکت دو نفر از دوستانش نشریه ریواژ Rivage (ساحل‌ها) را بنا گذاشت ولی با شروع جنگ جهانی دوم و تعطیل روزنامه، او کوشیده به ارتش وارد شود و در جنگ شرکت کند اما سلامتی‌اش مانع از آن شد و بالاخره بالاجبار الجزایر را ترک و به پاریس آمد و همکاریش را با روزنامه عصر پاریس شروع کرد. سپس برای دوری از مزاحمت‌های ارتش نازی به همراه دیگر کارمندان روزنامه به شهر بوردو نقل مکان کرد. در سال ۱۹۴۲ عضو گروه مقاومت فرانسوی به نام نبرد شد و به فعالیت زیرزمینی علیه نازیسم پرداخت. در همین گروه با ژان پل سارتر آشنا شد و دوستی‌شان در سال‌های بعد از جنگ ادامه داشت.

ناگفته نماند او دو بار «ازدواج» کرد. اولی ناموفق بود ولی در سال ۱۹۴۰ ازدواجش با فرانسیس فور که یک پیانیست و ریاضی‌دان بود صاحب دو فرزند دوقلو شد ولی هیچ وقت نخواست این ازدواج به ثبت قانونی برسد.

کار ما نیست شناسائی «راز» گل سرخ

کار ما شاید این است

که در افسون گل سرخ شناور باشیم

سپهری شاعر عارف، شاعری است که عرفان را دیگر حکیمانه بیان نمی‌کند. در این شعرهاست که انسان، در شعرش، حضوری زنده و بازشناختنی دارد، هرچند آرمانی.

روز ۲۱ آوریل ۱۹۸۰ (اول اردیبهشت ۱۳۵۹)، سهراب سپهری پس از دو سال جدال با سرطان خون در تهران درگذشت. چند بیت از اشعار او بر سنگ مزارش نگاشته شده است:

به سراغ من اگر می‌آئید

نرم و آهسته بیایید

مبدا که ترک بردارد

چینی نازک تنهایی من

اما براستی راز آشنائی و شناخته‌گی سپهری با یادهای ما، چه می‌تواند باشد جز انسان دوستی عمیق، کمال جوئی و صداقت یگانه او؟

برگرفته از: کتاب اندیشه آزاد

زهره ستوده - آوریل ۲۰۱۳

XXXXXXXXXX

زنده باد زن ایرانی

مرحبا ای هد هد هادی شده

در حقیقت پیک هر وادی شده

کتاب منطق الطیر حکیم عطار نیشابوری به زبان

فرانسه انتشار یافت. Le Cantique des oiseaux, de

Farīd od-dīn 'Attār این اثر جاودانه با ترجمه درخشان

سرکار خانم دکتر لیلی انور انتشار یافت و با استقبال

بسیار خوب محافل ادبی پاریس روبرو گشت.

خانم دکتر انور مایه مباحثات ایرانیان فرانسه

می‌باشد. ایشان در مصاحبه‌های متعدد اعلام

داشتند که برای ترجمه فصیح منطق الطیر چهار

سال وقت گذاشتند و بسیار از اشعار ویکتور هوگو

الهام گرفتند.

مجمعی کردند مرغان جهان

آنچ بودند آشکارا و نهان

جمله گفتند این زمان در دور کار

نیست خالی هیچ شهر از شهریار

چون بود که اقلیم ما را شاه نیست

بیش ازین بی شاه بودن راه نیست

یک دگر را شاید اری یاری کنیم

کوه که سوخت

دودش، نامه‌ای اشک‌آلود برای دهکده نوشت

دهکده که سوخت

دودش، تراژدی‌ای برای شهر نوشت

در شهر هم

زنی بود که زیبایی درخت، باغ دهکده و شهر را

در دل و چشم و قامتش داشت

و آن گاه که زن، خود را برای آزادی سوزاند

دودش، داستانی بی‌پایان برای سرزمینم نوشت.

این شعر توسط خانم ژیللا به مناسبت روز جهانی

زن، هشتم مارس در جلسه عمومی انجمن ماه مارس

خوانده شد.

XXXXXXXXXX

یادی از سهراب سپهری

سی و سه سال پیش، شاعر و نقاش آرمانگرای آفاق

مبهم انسانی، شاعر عارف و آنطور که خودش دوست

داشت «زهره»، چشم از جهان فرو بست.

زادروز سهراب سپهری، ۷ اکتبر ۱۹۲۸ (۱۵ مهر

۱۳۰۷) در شهر کاشان بود. وی تحصیلات ابتدائی و

متوسطه را نیز در این شهر گذراند و برای ادامه

تحصیلات روانه تهران شد. فارغ‌التحصیل دانشکده

هنرهای زیبا در سال ۱۳۳۲ بود و در اداره کل فرهنگ

و هنر در بخش موزه‌ها در سال ۱۳۳۳ به کار مشغول

شد. در سال ۱۳۳۶ از راه زمینی به اروپا سفر کرد و در

پاریس ماندگار شد و در دانشکده هنرهای زیبای

پاریس در رشته لیتوگرافی ثبت نام کرد. وی برای

امرار معاش در پاریس به کارهای سخت پرداخت و

دیری نپائید که به ایران بازگشت و در سال ۱۳۴۰ به

تدریس در هنرکنده هنرهای تزئینی پرداخت. سهراب

سپهری یکی از مهمترین شعرای معاصر ایرانی است.

شعر سپهری آنچنان لطیف است که بیان مصائب

مردم دردمند را برنمی‌تابد. از این رو به طبیعت پناه

می‌برد تا با آب و خاک و برگ یگانه شود.

حضور انسان در شعر او، حضوری آرمانی است.

جهانی همه عشق، ایثار و زیبایی. از «عرفان» در شعر

سپهری بسیار گفته‌اند. اما سپهری در سلوک عارفانه

شاعرانه‌اش، به خلوصی در شعر و نقاشی می‌رسد. بیان

خشک و تند شعرهایش در دفترهای اولین، زنده و

سیال می‌شود تا به اوج «حجم سبز» و «جای پای

آب» می‌رسد. در این لحظات، سپهری جان و جوهر

هستی را شاعرانه می‌سراید:

تصحیح و پوزش

در ماهنامه شماره ۳۶ ماه آوریل در مقاله «گزارش جشن نوروز» نام خانم مریم جوشنی که در تهیه و تنظیم و چیدن سفره هفت سین زحمات زیادی کشیدند و متن خوش آمدگویی به مهمانان عزیز انجمن را به زبان فرانسه بیان کردند و همچنین خانم بهرامی که در تهیه غذا کمک‌های شایانی کرده بودند از قلم افتاده بود که بدین وسیله از آنها پوزش می‌خواهیم.

هیئت تحریریه انجمن

XXXXXXXXXX

دعوت

به جلسه عمومی انجمن تاکسیران

از کلیه اعضای انجمن و همکاران گرامی دعوت می‌کنیم که در جلسه عمومی انجمن در ماه می شرکت نمایند.

زمان: دوشنبه ۶ می

مکان: رستوران الهام

ساعت شروع جلسه: ۱۹:۳۰

دستور جلسه:

۱- سخن هیئت مدیره

۲- بحث و بررسی پیرامون جشن اول ماه می

۳- حضور Mme CHALABI در رابطه با

حسابداری

۴- بحث آزاد

۵- نمایش فیلم جشن نوروز

حضور فعال شما به غنی کردن جلسه می‌افزاید.

موفق و پیروز باشید

هیئت مدیره انجمن تاکسیران

XXXXXXXXXX

اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر ماه ساعت ۱۹:۰۰ در رستوران الهام برگزار می‌گردد.

Chez - Elham, 11, Rue de la REYNIE

75004 Paris - Métro : Chatelet-Les-Halles

حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می‌باشد.

پادشاهی را طلب کاری کنیم
زانکه چون کشور بود بی پادشاه
نظم و ترتیبی نماید در سپاه
پس همه با جایگاهی آمدند
سر به سر جویای شاهی آمدند
هدهد آشفته دل بر انتظار
در میان جمع آمد بی قرار
هست ما را پادشاهی بی خلاف
در پس کوهی که هست آن کوه قاف
نام او سیمرغ سلطان طیور
او به ما نزدیک و ما رو دور دور

کمال آملی

XXXXXXXXXX

لیست چراغ قرمزهایی
که دارای دوربین می‌باشند

PARIS

- 1- Croisement rue Oberkampf, Bld. Richard Lenoir, Paris 11e
- 2- Rue du 4 Septembre, rue de Richelieu, Paris 2e
- 3- Rue de Vaugirard, rue de la Convention, Paris 15e
- 4- Rue Lafayette, Bld de Magenta, Paris 10e
- 5- Rue Saint-Sulpice, rue de Tournon, Paris 6e
- 6- Rue Royal, Place de la Concorde, Paris 8e
- 7- Rue Philippe de Girard, Bld de la Chapelle, Paris 10e
- 8- Quai François Mitterrand, Pont du Carroussel, Paris 10e
- 9- Rue de Tolbiac, Quai Rive Gauche, Paris 13e
- 10- Quai de Gesvres, rue Saint-Martin, Paris 9e
- 11- Bld Romain Rolland, Ave. de la Porte d'Orléans, Paris 14e
- 12- Rue du Louvre, rue de Rivoli, Paris 1er
- 13- Rue de Rivoli, Bld de Sébastopol, Paris 1er
- 14- Ave. Foch, Ave. de Malakoff, Paris 16e

BANLIEUE

- Vincennes D : 94, rue de Montreuil, ave. République
- Montrouge D : 92, N : 20, ave. Aristide Briand, Rue Barbès
- Clichy D : 92, rue Martre, rue Henri Barbusse
- Boulogne Billancourt D : 92, Bld République, Ave. Pierre Grenier
- Versailles D : 78, ave. de Saint-Cloud
- Bois de Boulogne D : 92, allée de Longchamp
- Puteaux D : 92, Quai de Dion Bouton
- Le Pecq D : 78, sur la Route Nationale

تهیه و تنظیم: فرشید